

# یک سینما، یک گونه



## علی‌رضا خانی‌وردی

گونه‌ی موزیکال، گونه‌ی عمیقاً آمریکایی است. خیابان «برادوی» نقش بسیار زیادی در شکل‌گیری گونه‌ی موزیکال داشته‌است. در وسط خیابان برادوی کاباره‌هایی وجود دارد که در آن‌جا نمایش‌های خاصی اجرا می‌شود، نمایش‌هایی برای قشر متوسط و نه روشنفکر و صاحب اندیشه. داستان‌های ساده، درام‌های خیلی پسر و صدا و عشق‌های آن‌چنانی در کاباره‌های خیابان برادوی اجرا می‌شود. می‌توان گفت که در خیابان برادوی نمایش‌های روشنفکرانه مثل آثار «جکت»، «یونسکو»، «سارتر» و ... نمایش داده نمی‌شود!

## برادوی، منبع الهام

نمایش‌های برادوی از منابع الهام گونه‌ی موزیکال در آمریکا بوده‌است.

پیدایش صدا، گونه‌ی موزیکال را به یکی از گونه‌های مهم تبدیل کرد. برخی از موزیکال‌های جنگ‌مانند فقط مجموعه‌ی از آوازها را کنار هم می‌چیند. دیگر فیلم‌های موزیکال، مانند «غمه‌ی برادوی»، داستان‌هایی درباره‌ی ماجراهای پشت‌صحنه‌ی دنیای موسیقی تعریف می‌کردند و آوازهایی که در فیلم بودند به عنوان اجراهای شخصیت‌های فیلم توجیه می‌شدند. موزیکال‌های اپرمانند هم بودند که نمونه‌ی شاخص آن‌ها «رژه‌ی عشق» بود. داستان این فیلم‌ها و آوازهایی که در آن‌ها یافت می‌شد در مکان‌های تخیلی روی می‌دادند و سرانجام فیلم‌های موزیکال طوری تلفیق شده بودند که رقص و آواز در آن‌ها در مکان‌های معمولی اتفاق می‌افتاد. موزیکال‌های پشت‌صحنه‌ی هم اغلب چند آواز تلفیق‌شده را با آوازهایی که در صحنه اجرا می‌شد، ترکیب می‌کردند. جنگ موزیکال در زمان کوتاهی از بین رفت اما دیگر انواع موزیکال اهمیت خود را حفظ کردند.

یکی از مفرح‌ترین نمونه‌های موزیکال اپرمانند «مشب دوستم بدار» به سال ۱۹۳۳ ساخته‌ی «روبن ماملین» بود. فیلم با صحنه‌ی

آغاز می‌شود که ملهم از نخستین فیلم‌های ناطق «رنه کلر» است؛ با طلوع خورشید، زندگی در خیابانی واقع در پاریس شروع می‌شود و هر صدای ریتمیک کار تنی را می‌کند و این نت‌ها سرانجام به آوازی ختم می‌شوند. در سکاس مشهوری از فیلم، آواز از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود و صحنه‌ها با دیزالو به هم متصل می‌شوند.

نمونه‌های شاخص موزیکال پشت‌صحنه، رشته فیلم‌هایی بودند که «برادران وارنر» با طراحی رقص «بازی برکلی» ساختند. فیلمی که بسیاری از قراردادهای این گونه را تثبیت کرد، «خیابان چهل و دوم» ساخته‌ی «لوید بیکن» به سال ۱۹۳۳ بود. داستان این فیلم درباره‌ی دختر آوازخوان ساده‌لوح و جوانی است که چون بازیگر نقش اصلی نمایش بزرگی در شب گشایش نمایش در برادوی مجروح می‌شود، یک‌شنبه به مرتبه‌ی ستاره ارتقا پیدا می‌کند.

نمایش «وودویل» نمایشی خیابانی در انگلیس است که وارد آمریکا شد و در گونه‌ی موزیکال تأثیر گذاشت. «چاپلین» از بازیگران نمایش وودویل بود.

## ویژگی‌های فیلم‌های موزیکال

رقص و آواز دسته‌جمعی و سیاهی‌لشکرهای زیاد در نمایش‌های برادوی به کار برده می‌شد. گونه‌ی موزیکال سخت متکی به صداست. از میان گونه‌های سینمای آمریکا، گونه‌ی موزیکال خیلی دیرتر شکل گرفت و دلیل آن وارد نشدن صدا به سینما بود. تکنیک صدا در سال ۱۹۲۷ وارد سینما شد. فیلم «خواننده‌ی جاز» جزو اولین فیلم‌هایی است که در آن آواز خواندن استفاده شده‌است. ولی این فیلم نمی‌تواند جزو فیلم‌های موزیکال قلمداد شود، چون در آن فیلم فقط آواز خواندن وجود دارد و آواز خواندن به تنهایی نمی‌تواند ملاک فیلمی در گونه‌ی موزیکال باشد. در گونه‌ی موزیکال حرکات موزون و کمیک، نمایش‌های سیرک، کارهای آکروبات‌بازی، نمایش‌های قطعه‌قطعه شده، نمایش‌های

جداگانه‌ی کوتاه و دکورهای باشکوه، بسیار زیاد دیده و به تصویر کشیده می‌شود.

باید به این نکته اشاره نمود که موسیقی و حرکات موزون قبل‌تر از سینمای موزیکال در آمریکا وجود داشته‌است. دکورهای پرزرق و برق و باشکوه نقش بسیار مهمی در گونه‌ی موزیکال دارند. به رخ کشیدن طراحی صحنه و طراحی لباس باعث اهمیت نمای لانگ‌شات در گونه‌ی موزیکال شد. صحنه‌های رقص و آواز در فیلم‌های موزیکال بسیار زیاد در نمای لانگ‌شات اجرا می‌شود، چون به کار بردن نمای کلوزآپ مانع دیدن رقص و آواز در این نوع فیلم‌ها می‌شود. زوج رقصنده و داستان عاشقانه همیشه همراه فیلم‌های موزیکال بوده و از ویژگی‌های سینمای موزیکال است. در این‌جا می‌توان به فیلم «داستان وست‌ساید» از «رابرت وایز» اشاره نمود که بر اساس تراژدی «رومئو و ژولیت» ساخته شده‌است.

## اصلاح فیلم رنگی

گونه‌ی موزیکال سبب اصلاح فیلم رنگی در تاریخ سینما شد. اصلاح فیلم رنگی - تکنیک رنگ - سال ۱۹۳۵ به‌طور کامل در سینما به کار گرفته شد. قبل از سال ۱۹۳۵ فیلم‌ها به لحاظ رنگ محدود بودند و به‌طور معمول دو رنگ بیشتر نداشتند. گونه‌ی موزیکال باعث سرمایه‌گذاری و اصلاح شدن رنگ در سینما شد. فیلم «جادوگر شهر زمرد» به کارگردانی «ویکتور فلمینگ» (۱۹۳۹) نمونه‌ی خوبی از به‌کارگیری رنگ در گونه‌ی موزیکال است.

## سبک نورپردازی

«های کی لایتینگ» یعنی روشن کردن تمام صحنه که در این حالت دیافراگم دوربین باید روی بالاترین اعناد بر روی بنده‌ی دوربین قرار داشته باشد.

«اسیات لایتینگ» نوعی سبک نورپردازی در نمایش‌های برادوی است، که در آن، صحنه



## از ویژگی‌های فیلم‌های موزیکال، حرکت و آواز خواندن دسته‌جمعی، حضور سیاهی لشکرهای زیاد و دکورهای پرزرق و برق و باشکوه برای به رخ کشیدن طراحی صحنه و لباس در نماهای لانگ‌شات است

تاریک می‌گردد و فقط دایره‌یی از نور در وسط صحنه دیده می‌شود و بازیگران در آن دایره‌ی نور می‌رقصند.

تکنیک «پلی‌یک» از تکنیک‌های گونه‌ی موزیکال در سال‌های آغازین است، یعنی این‌که موسیقی و آواز قبلاً ضبط شده و پخش می‌شود و بازیگران خود را با آواز و موسیقی هماهنگ کرده و با توجه به آواز و موسیقی شروع به رقص می‌کنند.

### میزانسن

گونه‌ی موزیکال اگر در استودیو ساخته شود، بسیار زیاد از چشم تماشاگران برادوی گرفته می‌شود؛ میزانسن تئاتری، دوربین رویه‌روی صحنه قرار گرفته باشد، مستقیم و با زاویه‌ی آی‌پول. تکنیک دوربین فرانتال - دوربین رویه‌روی صحنه - یک بحث زیبایی‌شناسی در گونه‌ی موزیکال شد.

فیلم‌های موزیکالی که در فضای خارجی ساخته می‌شوند، دکوپاژ خیلی متفاوت‌تری نسبت به فیلم‌های موزیکالی که در فضای داخلی - استودیو - ساخته می‌شوند دارند. فیلمی مانند «داستان وست‌ساید» از «رابرت وایز» به لحاظ دکوپاژ خیلی متفاوت‌تر از فیلم‌های موزیکالی است که در فضای داخلی ساخته می‌شوند. فیلم‌های موزیکالی که در فضای داخلی ساخته می‌شوند از نماهایی از بالای سر - عمود بر سر - به صورت ۹۰ درجه (اُورهدشات) استفاده می‌کردند. در این گونه نماها شکل فیزیکی بازیگر تغییر پیدا می‌کرد.

دکورهای باشکوه و دکورهای عمودی در گونه‌ی موزیکال بسیار زیاد به کار می‌رفت.

گونه‌ی موزیکال رؤیا را به جای واقعیت‌های اجتماع تصویر می‌کرد و از بیان واقعیت‌های اجتماعی سر باز می‌زد. گونه‌ی موزیکال کارخانه‌ی رؤیا سازی است؛ دنیای خیال، وهم و رؤیا، دنیایی که شخصیت‌های فیلم سوار بر قالیچه‌ی پرنده بر فراز شهر پرواز می‌کنند و یا از پلکان خیالی به آسمان‌ها می‌روند و در آن‌جا عاشق می‌شوند. به

همین دلیل گونه‌ی موزیکال مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت؛ بیان نکردن واقعیت‌های اجتماعی.

به فیلم‌های موزیکالی که در گونه‌ی دیگر ساخته می‌شوند، موزیکال‌های گونه‌یی می‌گویند؛ مانند وسترن موزیکال، جنگی موزیکال، حماسی موزیکال، گانگستری موزیکال و ...

«کوریوگرافی» - طراح رقص - یک تخصص اصلی در گونه‌ی موزیکال است و در صحنه‌هایی که در آن‌ها حرکات موزون و ریتمیک، رقص و ... دیده می‌شود، بسیار زیاد از این تخصص استفاده می‌شود.

### زیرمجموعه‌ی گونه‌ی موزیکال

موزیکال ریویو، نوع خیلی ابتدایی گونه‌ی موزیکال است که بسیار بی‌حرکت بوده و از چشم تماشاگری که در سالن نشسته، گرفته و به صورت سیاه و سفید تصویر می‌شود. این گونه‌ی موزیکال در سال‌های اول ورود صدا به سینما ساخته شد و فاقد داستان است و فقط رقص و آواز در آن دیده می‌شود.

موزیکال‌های اپرایی، نمایش‌های صحنه‌یی کوتاه بوده و فیلم «امشب دوستم بندار» از «روبن مامولیان» نمونه‌ی این نوع موزیکال است.

در درام‌های موزیکالی، تأکید بسیار فراوان روی داستانگویی وجود دارد و داستان‌های خیلی جذاب در آن‌ها به چشم می‌خورد. فیلم «داستان وست‌ساید» از «رابرت وایز» که بر اساس نمایشنامه‌ی «رومئو و ژولیت» از «شکسپیر» ساخته شده و فیلم «اکلاهما» از «فرد زینه‌مان» نمونه‌های این نوع موزیکال هستند.

موزیکال‌های پشت‌صحنه‌یی، حوادث و داستان‌هایی بوده که برای بازیگران صحنه‌ی تئاتر، خارج از صحنه‌ی نمایش اتفاق می‌افتد؛ به عنوان مثال دو بازیگر تئاتر عاشق هم می‌شوند.

### ویژگی‌های دکور، لباس و گریم

بازیگران گونه‌ی موزیکال لباس‌های پرزرق

و برق به تن می‌کنند، مانند لباس‌های «الویس پریسلی» در فیلم‌های موزیکال. در گونه‌ی موزیکال دکورهای غیرمتعارف، دکورهای عظیم و خلاق و دکورهای خیالی و غیرواقعی، مانند یک کیک خیلی بزرگ که بازیگران روی آن برقصند، بسیار به کار برده می‌شود. مردان در گونه‌ی موزیکال همیشه با صورت تراشیده و اصلاح‌شده دیده می‌شوند و باید لاغراندام باشند و کت و شلوارهای خاصی به تن کنند و با موهایی روغن‌زده و مرتب در جلوی دوربین قرار بگیرند. از بهترین فیلم‌های موزیکال در تاریخ سینما می‌توان فیلم‌هایی مانند «آواز در باران» با بازی «جین کلی» و کارگردانی «استلی دانن»، «داستان وست‌ساید» و «اشک‌ها و لبخندها» از «رابرت وایز»، «امشب دوستم بندار» از «روبن مامولیان»، «پایوی زیبای من» از «جورج کیوکر»، «جادوگر شهر زمرده» ساخته‌ی «ویکتور فلمینگ» و ... را نام برد.

### سینمای موزیکال در ایران

آغاز سینمای موزیکال در ایران را می‌توان به سال‌های قبل از انقلاب و به فیلم‌های «حسن کچل» و «باباشمل» از «علی حاتمی» و «مرغ تخم‌طلا» از «اسماعیل کوشان» نسبت داد. داستان فیلم حسن کچل درباره‌ی جوانی تاس است که تمام وقشش را در خانه و در رختخواب می‌گذراند. او یک روز با ترندگی که مادرش به کار می‌برد از خانه خارج می‌شود و پائی به شهر می‌گذارد و عاشق دختری جوان به نام «چل‌گیس» می‌شود که در دام دیوی اسیر است. حسن کچل برای نجات دختر از دست دیو حاضر می‌شود جانش را از دست بدهد و شیشه‌ی عمر دیو را به دست بیاورد و ... در فیلم حسن کچل می‌توان ویژگی‌های گونه‌ی موزیکال در سینمای آمریکا را مشاهده نمود؛ داستانی عاشقانه و عبور عاشق از هفت مرحله‌ی عشق، رقص و آواز، استفاده‌ی دراماتیک از رنگ، دنیای خیال و ... ■